

روایت پرتو جغتایی

از هیاهوی ورزش تا سکوت صحنه

تئاتر باعث شد

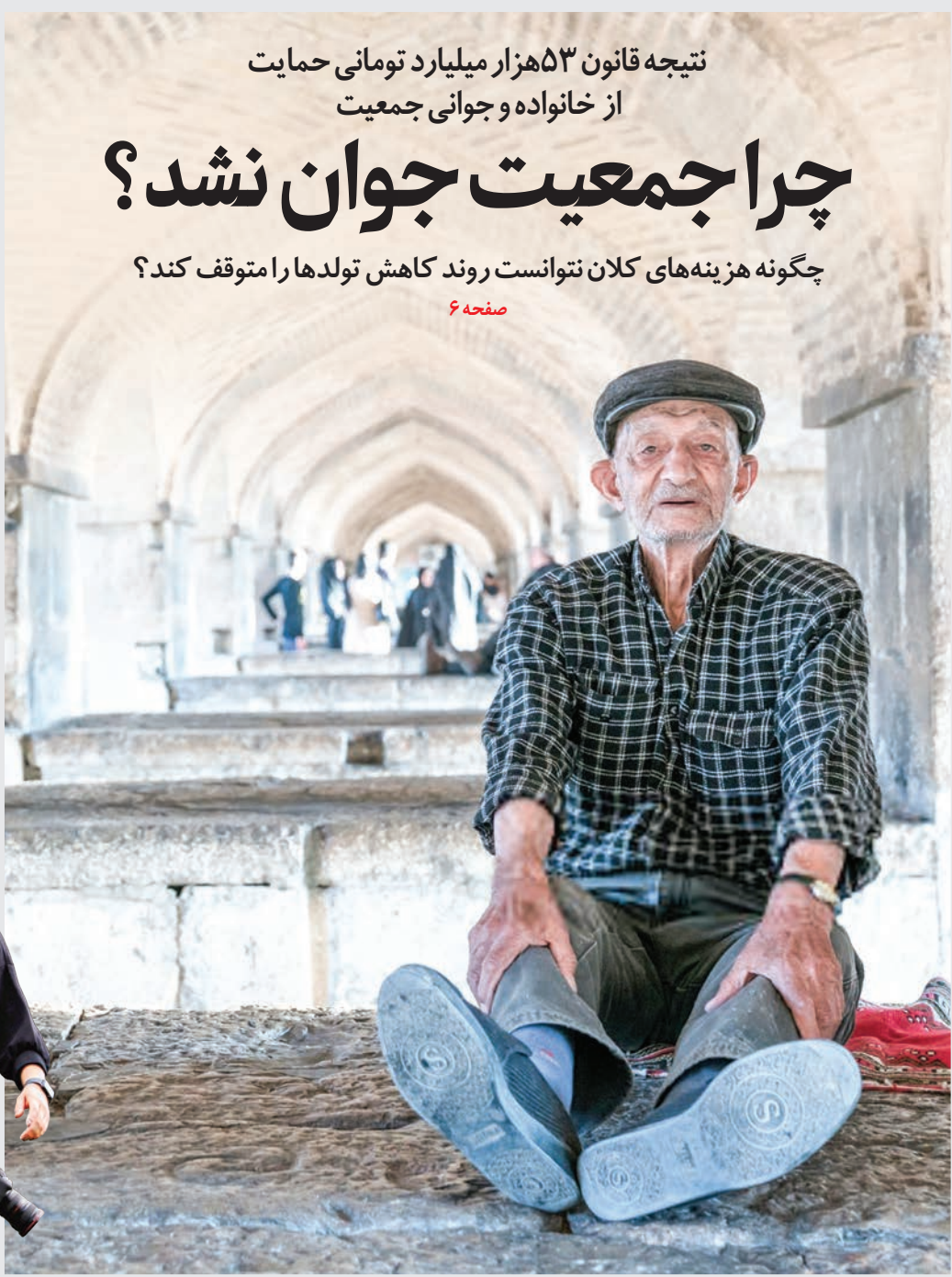
ورزش را هم

هنر ببینم

قاب‌بندی‌های تئاتر به کمک آمد در ورزش هم

به دنبال ترکیب‌بندی‌های هنر مندانه‌تری باشم

پرتو جغتایی نخستین زنی است که آژانس عکس ورزشی زنان ایران را بنیان گذاشت و در سال‌های اخیر بسیاری از لحظه‌های تاریخی ورزش زنان را ثبت کرده است. لحظه‌هایی که اغلب در حاشیه مانده بودند و به لطف قاب‌های او دیده شدند. اما کارنامه جغتایی تنها به میدان‌های ورزشی محدود نمی‌شود. او با همان دقت و سرعت عمل، به صحنه تئاتر نیز قدم گذاشته و تلاش کرده است از دل نور، سایه و حرکت بازیگران، روایت تازه‌ای از تجربه انسانی بسازد. او عکاسی را نه صرفاً ثبت واقعیت، بلکه کنشی فرهنگی و اجتماعی می‌داند که می‌تواند در مرز میان مستند و هنر، پلی برای گفت‌وگو با جامعه باشد. این گفت‌وگو کوششی است برای شناختن جهان فکری و هنری این عکاس در تقاطع ورزش، تئاتر و رسانه. **صفحه ۵**



نتیجه قانون ۵۳ هزار میلیارد تومانی حمایت

از خانواده و جوانی جمعیت

چرا جمعیت جوان نشد؟

چگونه هزینه‌های کلان نتوانست روند کاهش تولدها را متوقف کند؟

صفحه ۶



گفت وگویی ویژه

با ستاره پرسپولیس که به

خیبر خرم آباد پیوست

دوست

نداشتم حال

پرسپولیس‌ها

را خراب کنم

ناکامی باشگاه استقلال در جذب علی شجاعی

صفحه ۷

حیات بشر و ششمین

انقراض بزرگ

تغییر اقلیم مرگبار تر از چیزی است که به نظر می‌رسد

صفحه ۴

تعهدات دولت برای ترمیم حقوق در روزگار تورم تصاعدی

دستم‌زدهایی

که به سرمایه نمی‌رسد

تورم خوراک‌ها و مسکن تا پنج برابر رشد کرده اما حقوق کارگران و کارمندان فقط ۲۰ درصد افزایش یافته است

صفحه ۲



از بطری‌های ۱۰ هزار دلاری زاین تا آب‌های طعم‌دار نسل جدید

یک جرعه آب لاکچری!

بازار آب معدنی تا سال ۲۰۳۰ به ۴۸۰ میلیارد دلار می‌رسد

صفحه ۶

سر مقاله

نیاز فوری به حمایت دولت برای نجات کارخانه‌ها و معیشت کارگران

زمستان سخت صنعت در راه است

صنعت ایران، که روزگاری موتور محرک اقتصاد و اشتغال کشور بود، امروز در سایه بحران انرژی و بی‌توجهی‌های ساختاری، روزگار دشواری را تجربه می‌کند. کارخانه‌هایی که باید چرخ تولید را بچرخانده، با قطعی‌های مکرر برق و کمبود گاز، نیمه‌تعطیل شده‌اند. کارگرانی که ستون فقرات این صنعت‌اند، زیر فشار معیشتی و بیکاری پنهان کمر خم کرده‌اند. قیمت مصالحی مانند سیمان سر به فلک کشیده و زنجیره تأمین را دچار اختلال شدید کرده است. این تصویر تلخ، زنگ خطری است که اگر امروز به آن بی‌توجه باشیم، فردا هزینه‌ای به مراتب سنگین‌تر خواهیم پرداخت.

بحران انرژی، حمله قلبی صنعت

وقتی برق کارخانه‌ای قطع می‌شود، فقط ماشین‌آلات از حرکت نمی‌ایستند؛ چرخ زندگی کارگران و زنجیره تأمین نیز متوقف می‌شود. گزارش‌ها نشان می‌دهند واحدهای صنعتی که شلیفت روزانه دارند، عملاً سه روز در هفته تعطیل‌اند. از شش روز کاری، فقط دو یا سه روز تولید واقعی دارند. این یعنی کاهش ۲۰ تا ۶۰ درصدی ظرفیت تولید در صنایع مختلف، از فولاد و شیشه گرفته تا سیمان و موزائیک. تعطیل می‌شوند. چنین افتی، نه‌تنها تعهدات تجاری را به خطر می‌اندازد، بلکه اعتماد مشتریان و بازارهای داخلی و خارجی را نابود می‌کند. زمستان در راه است و با کمبود گاز، این بحران عمیق‌تر خواهد شد. گرانی مصالح ساختمانی، که به‌طور مستقیم به زندگی مردم گره خورده، تنها یکی از تبعات این وضعیت است. وقتی سیمان گران می‌شود، ساخت‌وساز متوقف می‌شود، هزینه مسکن بالا می‌رود و فشار آن به دوش مردم عادی می‌افتد.

دولت تنومند، منابع محدود

دستگاه دولتی عریض و طویل، با منابع محدود و تصمیم‌گیری‌های غیر کارشناسی، بسیاری مضاعف بر دوش تولیدکنندگان گذاشته است. مالیات‌های سنگین، جریمه‌های بانکی و هزینه‌های بیمه‌ای، مانند طنابی به دور گردن صنعت پیچیده‌اند. وقتی دولت خود را از تأمین برق صنایع معاف می‌داند و تولیدکنندگان را به حال خود رها می‌کند، چگونه می‌توان انتظار داشت که بخش خصوصی با ماشین‌آلات قدیمی و مواد اولیه نامرغوب، در برابر رقابت جهانی ایستادگی کند؟ حتی قطعات ساده‌ای که زمانی در داخل تولید می‌شدند، حالا از چین وارد می‌شوند. این نشان‌دهنده عمق وابستگی و ناکارآمدی در زیرساخت‌های صنعتی است.

کارگران، قربانیان خاموش

کارگران، ستون فقرات صنعت، امروز بیش از همه زیر فشارند. وقتی تولیدکننده به دلیل کمبود منابع نمی‌تواند خدمات بیمه‌ای مناسبی ارائه دهد، کارگر از

تلنگر

سایه اتهام بر سر دیپلمات‌های ایرانی؛ از عهدنامه گلستان تا برجام

محافظه‌کاری عراقچی و نکته «ظریف» تاریخ

دیپلمات‌های ایرانی از میرزا ابوالحسن خان شیرازی تا محمدجواد ظریف همواره آماج انتقاد داخلی بوده‌اند

در دوران وزارت میرزا حسین‌خان سپهسالار، کارهای اصلاحی فراوانی در کشور انجام شد با این حال وی به دلیل تلاش برای انعقاد قرارداد رویتر، به عنوان خائن معرفی می‌شود. علاءالسلطنه که در زمان وزارت خارجه او، روس‌ها از امتیاز راه‌آهن از جلفا به تبریز و از صوفیان تا دریاچه ارومیه و کشف و استفاده معادن حریم‌راه را گرفتند و انگلیسی‌ها نیز امتیاز راه‌آهن خرمشهر به خرم‌آباد و ساختن اسکله در جنوب را گرفتند. همین اقدامات باعث اتهام گرفتن رشوه و بی‌کفایتی به او شد. اما بعدها که در گذشت فقط ثروت اندکی باقی مانده بود که نشان می‌داد اتهامات به وی بی‌اساس بوده است. مقدمات احداث راه‌آهن سراسری ایران، برنامه‌ریزی برای تأسیس بانک ملی و عقد قرارداد با شرکتی انمارکی برای راه‌اندازی نخستین خطوط اتوبوسرانی در تهران در دوران زمامداری مستوفی‌الممالک انجام گرفت اما عمر دولت مستوفی که آخرین دولت او شد، به هفت ماه نکشید. در ۲۹ دی ۱۳۰۵، نود و سه نماینده طرحی برای استیضاح او به مجلس دادند که مواد آن عبارت بود از: نوشتن مراسله به کمپانی نفت جنوب برخلاف وظایفی که قوه مجریه بر رعایت آن التزام دارد، عدم توجه به اصلاح امور تجاری که به فقر و بدبختی تاجار و اصناف منتهی شده، تشکیل و تصویب محکمه غیرقانونی در مالیه که با اصول موضوعه قضائی و قانون اساسی مخالفت داشته است، عدم علاقه به حفظ مالیه مملکت و مسترد داشتن اموال نایب حسین و ماشالله دزد و غریه، عدم توجه و علاقه به امور قضائی و فلاحتی. جالب است که بداند مستوفی‌الممالک در قطعی بزرگ ایران در سال ۱۲۹۷ اموال و املاک شخصی خود را فروخت تاجان ۱۶۰ هزار ایرانی را نجات دهد.

احمد قوام‌السلطنه، علی‌سهیلی و محمد ساعد

غالبه آذربایجان و اشغال آن توسط شوروی و عوامل داخلی آن با سیاست و دیپلماسی هوشمندانه قوام‌السلطنه پایان یافت اما تلاش‌های دیپلماتیک وی برای انعقاد قراردادی با شرکت‌های آمریکایی برای استخراج نفت شمال در پنج استان شمالی کشور را به عنوان خیانت معرفی کرده‌اند. علی‌سهیلی نقش مهمی در مذاکره با سفرای شوروی و انگلستان در

پوریا محسن زاده | در پنج‌و یک تاریخ سیاسی ایران، دیپلمات‌هایی که با قدرت‌های خارجی پای میز مذاکره نشستند و معاهده‌ای امضا کردند، اغلب به جای تحسین، با اتهام خیانت و بدنامی روبه‌رو شدند. از عهدنامه‌های تلخ گلستان و ترک‌مانچای در دوره قاجار تا قرار دادهای بحث‌برانگیز دوران پهلوی و حتی معاهده برجام در روزگار معاصر، این الگو تکرار شده است و در اغلب ایام دچار اکنون‌زدگی بودیم و با عینک امروز به قضاوت گذشته می‌نشینیم و فراموش می‌کنیم که دیپلمات‌های پیشین در چه شرایط دشواری تصمیم گرفتند. اگر خودمان در آن لحظات بحرانی، با فشارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی قدرت‌های بزرگ روبه‌رو بودیم، آیا همان قضاوت‌های تند را داشتیم؟ آیا می‌توانستیم در برابر امواج طوفانی تاریخ، تصمیمی بی‌نقص بگیریم؟ میرزا ابوالحسن خان شیرازی، که برابر روسیه تزاری مذاکره کرد، یا قوام‌السلطنه، که غائله آذربایجان را پایان داد، همگی در تنگنای زمان خود عمل کردند، اما تاریخ، به جای درک شرایطشان، آن‌ها را با انگ خیانت محکوم کرد. محمدجواد ظریف، که با برجام تلاش کرد اقتصاد ایران را از چنگ تحریم‌ها نجات دهد، نیز از این چرخه در امان نماند و با اتهامات سنگین داخلی روبه‌رو شد. امروز، عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، در حالی برای رفع تحریم‌ها حل مناقشه هسته‌ای مذاکره می‌کند که سایه این تاریخ بر از اتهام بر او سنگینی می‌کند. آگاهی او از سرنوشت پیشینیان، از میرزا ابوالحسن خان شیرازی تا ظریف، او را به احتیاط وامی‌دارد. آیا عراقچی می‌تواند با جسارت و درایت، از این چرخه شوم بگریزد و راهی برای حفظ منافع ملی بیابد، یا تاریخ باز دیگر قضاوت خود را تحمیل خواهد کرد؟

میرزا ابوالحسن خان شیرازی

در اوایل سده نوزدهم، میرزا ابوالحسن خان شیرازی، سیاستمداری برجسته در دربار فتحعلی‌شاه بود که خود او مخالف جنگ‌های ایران و روسیه بود اما ناچار شد برای حفظ منافع ملی در مذاکرات جنگ‌هایی شرکت کند که با آن مخالفت ورزیده بود. او در مذاکرات عهدنامه‌های گلستان و ترک‌مانچای نقش کلیدی داشت. این معاهدات، پس از شکست‌های نظامی ایران، بخش‌هایی از خاک کشور را به روسیه واگذار کرد. منابع غربی شیرازی را دیپلماتی موفق و باتدبیر می‌دانند. اما مورخان ایرانی او را خائن نامیدند. در دورانی که ایران چاره‌ای جز پذیرش شروط سخت نداشت، آیا می‌توان او را مقصر دانست؟ قضاوت ما، بدون در نظر گرفتن فشارهای نظامی و سیاسی، ناعادلانه به نظر می‌رسد. وثوق‌الدوله نیز سرنوشتی مشابه داشت. او که چندین بار وزیر خارجه بود، در ماجرای اخراج مورگان شوستر و پذیرش اولتیماتوم روسیه نقش داشت. عدم پذیرش به‌موقع این اولتیماتوم به اشغال بخش‌هایی از ایران و پرداخت غرامت سنگین منجر شد. وثوق‌الدوله به دلیل دو قرارداد معروف ۱۹۰۷ و ۱۹۱۹ عموماً به عنوان فردی خائن و رشوه‌گیر معرفی شده است.

از میرزا حسن خان سپهسالار تا مستوفی‌الممالک

زمان اشغال ایران و انعقاد قرارداد سه جانبه داشت که استقلال ایران را تضمین کرد. با این حال او تنها نخست‌وزیر تاریخ ایران است که در دیوان عالی کشور محاکمه شده است. دخالت در انتخابات آذربایجان، شهرضا، بندرعباس، آباد، جهرم، خرید غیرقانونی و زیر قیمت مصالح ساختمانی متعلق به دولت در زمان تصدی وزارت کشور به مبلغ ۲۷ هزار ریال برای ساخت ویلای شخصی خود مقابل باغ فردوس تجریش، توقیف مطبوعات و تندروی‌های شدید در اعمال حکومت نظامی اتهاماتی بود که علیه او در اعلام جرم مطرح شد. رسیدگی به این اتهامات در کمیسیون دادگستری مجلس شورای ملی نزدیک به دو سال به طول انجامید، سرانجام حکم برائت او از همه اتهامات صادر شد. سهیلی در این محاکمه ضمن مدافعات و هنگام دفاع و شرح مشکلات زمان جنگ و دشواری‌های زمامداری‌اش، اشک از چشمانش جاری شد. محمد ساعد در مجموع دو بار نخست‌وزیر و هشت مرتبه وزیر امور خارجه و یک بار وزیر کشور و چهار مرتبه سفیر کبیر و وزیر مختار و چهار دوره نماینده مجلس سنا و یک دوره وکیل مجلس بوده است. در باره او گفته‌اند که دیپلماتی ورزیده و سیاستمداری عاقل بود و ذکاوت وی در بین رجال ایران ضرب‌المثل است. به زبان‌های روسی و فرانسوی مسلط بود و ترکی استانبولی را نیز روان صحبت می‌کرد. در اجرای قانون سخت‌گیر و استوار و یکی از بااستقامت‌ترین رجال ایران محسوب می‌شد. پس از مرگ به هیچ وجه مالی از او باقی نماند و سال ۱۳۲۴ فوت کرد و حتی سنگ قبر دربار را برای آرامگاهش نپذیرفتند و سنگ قبر شکسته وی در بهشت‌زهرای تهران همچنان گویاست. با این حال در تمام دوران سیاست رزری وی بارها مورد اتهام ار تباط با بیگانگان و استیضاح از سوی مجلس و سیاستون قرار گرفت که در اکثریت این موارد، توده‌های نقش اصلی را داشتند.

قطعه‌نامه ۵۹۸، معاهده برجام و عباس عراقچی

به جز مذاکرات پایان داده به جنگ ایران و عراق که با پذیرش قطعه‌نامه ۵۹۸ همراه شدد و امام (ره) قاطعانه از مذاکره کنندگان حمایت کرد در سایر موارد دیپلمات‌های ایرانی که در مذاکرات بین‌المللی حضور می‌یابند اغلب از این وضعیت گریزی ندارند. محمدجواد ظریف، با مذاکرات دشوار و طولانی که در نهایت به برجام انجامید کوشید با تکیه بر تمام ظرفیت‌های سیاسی داخلی و خارجی اقتصاد ایران را از فشار تحریم‌ها نجات دهد. در ۲۰۱۸ و فشارهای داخلی، به هدفی برای اتهامات تبدیل شد. ظریف و تیمش به تسلیم برابر غرب متهم شدند، در حالی که در شرایط شدید تحریم‌ها مذاکره کردند. عباس عراقچی نیز با علم و آگاهی از این پیشینه تاریخی هدایت مذاکرات هسته‌ای با آمریکا را عهده‌دار است. این مذاکرات در شرایطی حساس انجام می‌شود. عراقچی، با آگاهی از سرنوشت ظریف و پیشینیانش، می‌داند که هر امضایی ممکن است به اتهامات تازه‌ای منجر شود. تجربه برجام، که به حاشیه رفت، پیش روی اوست. شاید محافظه‌کاری او نتیجه درک این واقعیت است که سیاست‌ورزی با خارجی‌ها، حتی اگر برای نجات ایران باشد ممکن است بهای سنگینی داشته باشد.



خیابان عباس آباد بی‌مشتري‌ترین بورس خودرو

بازار لوکس‌ها در کما

خودرو با افزایش قیمت امارکود در بازار روبه رواست

باقیمت پایینتر در معامله می شود. سعید از نمایشگاهداران خیابان جمهوری می گوید: رنو مگان، اول نود، ۲۰۷ و ۲۰۶، نیو و ساینا و کرایه های سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ بهرچهان بازار دارند اما به کیفیت سال های گذشته نیست. به طور کلی معاملات خودروهای کمتر از یک میلیارد نیز رونق قیل را ندارد اما بازمهم بازار بهرتر از خودروهای گران است. البته در خصوص خودروهای ایرانی نیز فقط کار کردها هستند که سریع فروش می روند و حتی ایرانی صفر هم باید چند هفته در نمایشگاه خوابد تا به قیمت معامله شود.

تهدید ایران خودرو به توقف فروش باعث شد افزایش قیمت خودروهای این شرکت را داشته باشیم اما همین که قیمت بالا رفت مشتری ناپدید می سید می گوید: به نظر هم بازار خودرو را هیچ چیز نکند نمی دهد و این شرایط ادامه دارد. درخصوص خودرو داخلی شاید گاهی خبری بازار را کمی تکان دهد اما دربار ه وارداتی ها اگر واردات ادامه پیدا کند، قیمت از این هم پایین تر می آید.

❶ گرانی ادامه دارد، رکود نیز پایرجاست

شاهد و داده‌ها نشان می‌دهد روند افزایش قیمت کارخانه‌ای خودرو در سال ۱۴۰۰ همچنان ادامه خواهد داشت؛ به ویژه با رای امروز که عملاً شورای رقابت از قیمت‌گذاری خودرو خارج شده و دست تولید کنندو وارد کننده برای افزایش قیمت باز تر می شود اما این گرانی به تهنیهایی مسئله اصلی بازار خودرو نیست، نکته مهم تر آن است که بسیاری از خودروهای معمولی و اقتصادی که تا چند سال پیش در دسترس عموم مردم بودند، امروز از توان خرید ما خارج شده‌اند، سراموهای دیگر مانند گشتی برتری برای خریداران جذابیتهی ندارد. در دو سال اخیر، تنها مصرف کنندگان واقعی در این بازار حضور داشته‌اند با این حال، رکود به‌قدری عمیق شده که حتی فروش خودروهای عامه ۵۰۰ میلیون تا یک میلیارد تومان نیز به زمان و فشارای مناسب نیاز دارد. دیگر از روزهایی که خودرو ظرف یک هفته پس از آگهی به فروش می‌رسید، خبری نیست و همان‌طور که فعالان بازار می‌گویند، «بازار خریدار» جای «بازار فروشنده» را گرفته‌است.

چشم‌انداز بازار
 به‌طور خلاصه، بازار خودرو در ادامه سال ۱۴۰۴ با افزایش قیمت همراه خواهد بود، اما رکود نیز پیرامی‌ماند و افزایش قیمت را از سسکه می‌اندازد. تنها در صورت وقوع تغییرات مهم سیاسی و اقتصادی، احتمال دارد حجم معاملات به‌طور مقطعی افزایش یابد.

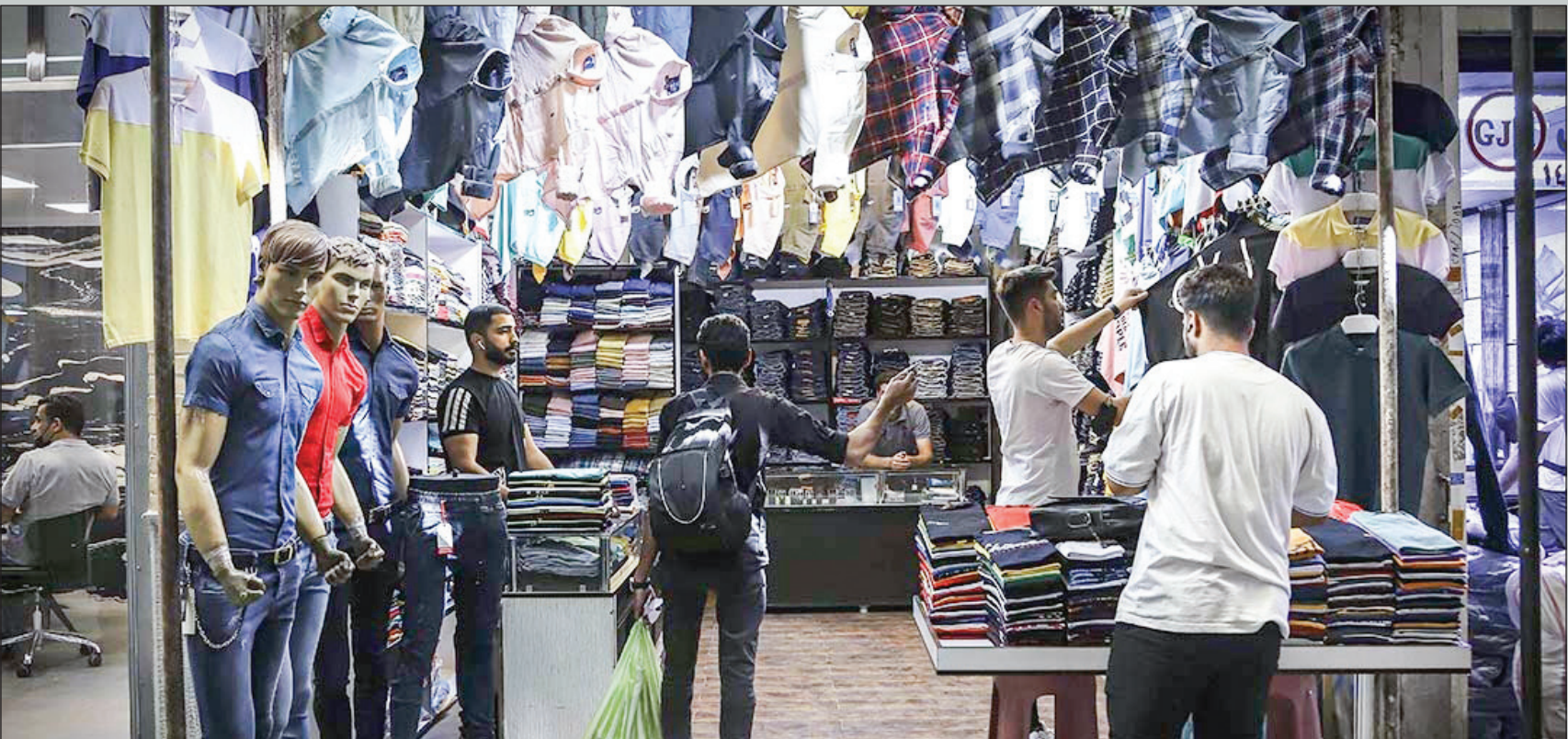
در غیر این صورت، باید انتظار بازاری را داشت که در آن قیمت‌ها پیوسته بالا می‌روند و همزمان توان خرید مشتریان واقعی هر روز بیش از پیش کاهش پیدا می‌کند.

علی دولتی | خردورهای لوکس
پارک شده در نمایشگاه‌های پرزرق
و برق، وارداتی‌های صفر کیلومتر که
حتی نداشتند روی صندلی آنها
کند نشده، فروشنده‌شان که در نبود
منستری لم داده و مشغول اینستاگردی
هستند. این چهره خیابان عباس آباد،
بورس اصلی خرید و فروش خودروهای
لوکس، وارداتی و مونتاژی‌های
لاچکری در یک سال اخیر است. جای
که معاملات خودرو و لوکس و وارداتی
در حد صفر است و نمایشگاه‌دار به
جایی رسیده که می‌گوید: «حالا
نمی‌افسد» که بازار خودرو و بیش از یک
سال صفر است در خواب رفته‌شان به
سرم می‌برد. معاملات به ویژه در بازی
قیمتی بیش از یک و نیم میلیارد
نزدیک صفر است و دیگر خبر افزایش
قیمت دلار، جنگ، مذاکره، افزایش
قیمت کارخانه، تعرفه ۱۰۰ درصدی
... نیز از ازا این خواب عظیم بیادار
نمی‌کند. «بازار از ابتدای تابستان و
بعد از جنگ ۱۲ روزه نیز تکان نخورده
و همان‌اش و همان‌کاسه‌است.»
خیابان یکی از نمایشگاه‌داران
ایران عباس آباد که عمداً فروشنده
خردورهای وارداتی است، می‌گوید.

ج ۲. ۴ مدل همگی پایین‌تر از قیمت شرکت‌ها قیمت گذاری می‌شوند اما باز هم خریداری نیست. حتی برخی مدل‌ها پایین‌تر از قیمتی که خودرو فروشنده آن را یک سال پیش از شرکت تحویل گرفته به خریداران پیشنهاد می‌دهند اما باز هم کسی رغبتی به خرید ندارد. شرایط طوری است که به جز چند مدل هر کسی خودرو وارداتی خریده و طول خوابانده، نسبت به افزایش قیمت طلا و دلار ضرر سنگینی کرده است؛ مگر صرف‌فروشنده واقعی که از ابتدای خواستار خرید خودرو استفاده کند. به گفته این فروشنده خودرو، اکنون بهترین زمان برای مصرف کننده واقعی و دران سباجودا در صورتی است اما با این وجود بازهم خریدار جلو نمی‌آید. انگار همه منتظر هستند که چه می‌شود و توقع کاهش بیشتر از این را دارند. بازار اکنون دیگر درگیر قیمت طلا و دلار و جنگ و صلح نیست و شاید حالا خبری بافت افزایش قیمت شود اما چون خریداری نیست باافاصله به همان قیمت قبلی برمی‌گردد. تسوچ می‌گوید: مثلاً توپوتا کمری جدید ابتدا ۱۲ میلیارد قیمت خورد. اما آنقدر معامله نشد که فروشنده ۷ میلیارد تومان گذاشته و بازهم کسی نمی‌خرد و یا خودرو آواناکر ابتدا ۱۰ میلیارد قیمت گذاری شد. اما روی ۵ میلیارد تومان معامله شد. تنها در خصوص خودروهای داخلی و زیر یک میلیارد تومان است که داغی افزایش قیمتی اتفاق می‌افتد و معامله هم می‌شود.

خودروهای زیر یک میلیارد نیز به سختی معامله می‌شود

برای بررسی اوضاع معاملات خودروهای ارزان‌تر سری به خیابان جمهوری، زدیم که معمولاً خودروهایی



تعهدات دولت برای ترمیم حقوق در روزگار تورم تصاعدی

دستمزدهایی که به شما نمی‌رسد

تورم خوراکی‌ها و مسکن تا پنج برابر رشد کرده اما حقوق کارگران و کارمندان فقط ۲۰ درصد افزایش یافته است

خصوص نمایندگنان جامعه کارگری، بارها تأکید کرده‌اند که در صورت افزایش چشمگیر تورم نسبت به مبنای محاسبه‌ای، باید امکان ترمیم حقوق و دستمزد فراهم شود. با این حال، در سه سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳، افزایش حقوق کارگران و کارمندان در حالی حدود ۲۰ درصد بود که تورم در همان سال‌ها بین ۳۳ تا ۶۶ درصد نوسان داشت و هیچ گونه ترمیم واقعی برای حقوق کارگران و کارمندان صورت نگرفت.

ی، افزایش نارضایتی های سیاسی اقتصادی باید هر چه سریع تر کارگران اقدام توری ساخت به بحران توری از مسیر بازاری ساز طاعت اجتماعی،

در تیرماه ۱۴۰۴
نرخ تورم به حدود
۱۵۱٪ رسید

رقمی که نسبت به تورم ۳۲ درصدی سال گذشته افزایش قابل توجهی را نشان می‌دهد. این جهش تورمی در حالی رخ داده که دولت همچنان در تعیین حقوق و دستمزد، هزینه‌های زندگی سال قبل را مبنای محاسبه قرار می‌دهد. از سوی دیگر، اعضای شورای عالی کار به

کاهش قدرت خرید و تعمیق رکود
کاهش قدرت خرید و فشار کاری و
بازماندگی و نیز بازنشتگان کشوری،
شگری و تأمین اجتماعی، نه تنها بر مصرف
تأثیرات منفی می گذارد، بلکه موجب
کود در بازار داخلی، کاهش تولید و افزایش
بیکاری نیز خواهد شد. کارگران، به عنوان
بسیون فقرات اقتصاد تولیدی کشور، در
صورت تضعیف معیشت، نه تنها توان ادامه
فعالیت اقتصادی را از دست می دهند، بلکه
گیزه و بهر دوری آنان نیز به شدت کاهش
می یابد.

سوی دیگر، ترسیم حقوق کارگران باید صرفاً به عنوان یک اقدام حمایتی نباشد، بلکه باید آن را بخشی از سیاست‌های کلان اقتصادی برای حفظ تعادل اجتماعی و جلوگیری از گسترش فقر دانست. تجربه سال‌های گذشته نشان داده که عدم تناسب میان تورم و افزایش حقوق، به تضعیف طبقه متوسط گسترش طلب فقیر منجر شده است.



بر واقع، اگر دولت در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ اقدام به ترمیم واقعی حقوق کرده باشد، امروز با بحران شدیدتری در حوزه معیشت مواجه نبودیم.

امیران نداری در ادامه تحلیل‌های خودی کید می‌کند که سیاست‌های پولی و مالی بد به گونه‌ای تنظیم شوند که همزمان کنترل تورم، امکان افزایش دستمزدها نیز فراهم شود. تمرکز صرف بر کنترل نیندنگی بدون توجه به قدرت خرید مردم، تنها موثر نیست، بلکه موجب تضعیف برابری خواهد شد. از این رو پیشنهاد

می‌شود که دولت با اصلاح ساختار بودجه، هزین‌های غیر ضروری و هدفمند کردن یارانه‌ها، منابع لازم برای ترمیم حقوق افرام کند.

سکوت ادامه دار شورای عالی کار

بر این میان، نقش نهادهای صنفی و شورای عالی کار نیز بسیار حیاتی است و لازم است که نهادهای با استناد به آمارهای رسمی تورم و هزینه‌های زندگی، فشار لازم را برای زنگری در سیاست‌های دستمزدی وارد نکنند، هرچند تاکنون تحرک خاصی در این میان دیده نشده است.

رئیس‌انسان معتقدند اگر دولت بخواهد از

امسال، شرایط اقتصادی از همیشه پیچیده‌تر شده است. دولت مدعی است که برای خانواده‌های دارای سه فرزند، افزایش حقوق تا ۲۵ درصد اعمال شده اما خانواده‌های بدون فرزند کارمندی تنها ۱۰ درصد افزایش حقوق داشته‌اند، رقمی که به وضوح با تورم بالای ۴۰ درصد همخوانی ندارد. این رویکرد تبعیض آمیز نه تنها عدالت اجتماعی را زیر سؤال می‌برد، بلکه فشار اقتصادی بر دهک‌های پایین جامعه، به‌ویژه قشر کارمندان و کارگری را دوچندان می‌کند. اگران در عمق دزد دهک‌های پایین را درمی قرار دارند، بیشترین آسیب را از تورم می‌بینند زیرا بخش عمده‌ای از درآمدشان صرف کالاهای اساسی و خدمات ضروری می‌شود. در چنین شرایطی، افزایش حقوق برای این گروه نه تنها یک ضرورت اقتصادی، بلکه یک الزام اجتماعی برای حفظ ثبات و کاهش نارضایتی عمومی است.

تورم خوراکی ها ۵ برابر شکاف طبقاتی
از افزایش می دهند

و با وجود این، برخی در بدنه سیاست گذاری مابین استبدال که افزایش حقوق خود را تشدید بدین تورم می شود، مانع از تحقق ترمیم دستمزدها شده اند. «کامران ندی» اقتصاددان و استاد دانشگاه با رد این نگاه، تأکید دارد که بدون افزایش حقوق و اجاری سیاست های مهار کننده تورم، شکاف طبقاتی کاهش نخواهد یافت. او هشدار می دهد که جامعه به سمت دو قطبی شدن پیش می رود؛ اقلیتی ثروتمند که در ابرای های خود را به کالاهای سرمایه ای تبدیل می کند و اکثریتی فقیر که درآمد زیادی دارند و روز بروز فقیر تر می شوند. این اقتصاددان در گفت و گو با «هفت صبح» می گوید که تورم در گروه های خوراکی و آشامیدنی تا پنج برابر بیشتر از تورم عمومی، نابرابری درآمدی را افزایش می دهد.

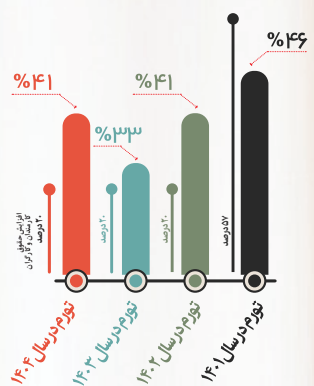
روی افروز، راهکارهای پیشهادی برای کاهش شکاف طبقاتی و حمایت از دهک‌های پایین شامل افزایش حقوق متناسب با تورم، کنترل قیمت کالاها و اساسی، حذف یارانه ثروتمندان و تخصیص منابع به اقشار آسیب پذیر است. همچنین اجرای سیاست‌های هدفمند حمایتی مانند کالابرگ کالریکی و بهبود دسترسی به خدمات درمانی برای کارگران می تواند بخشی از فشار اقتصادی را کاهش دهد. اما در مقطع کنونی که تورم همچنان از افزایش حقوق بیشتر است به شکاف طبقاتی دامن می زند.

ندری تصریح کرد: در نهایت، اگر دولت همچنان از ترمیم حقوق کارگران خودداری نکند، نه تنها قدرت خرید کاهش می یابد، بلکه نارضایتی اجتماعی نیز تشدید خواهد شد. افزایش حقوق برای همه کارهای جامعه، به ویژه قشر کارگری، نه تنها امتیاز بلکه یک ضرورت برای حفظ عدالت اجتماعی، کاهش شکاف طبقاتی و جلوگیری از بحران های اجتماعی آینده است. در چنین شرایطی، بی توجهی به وضعیت معیشتی کارگران می تواند پیامدهای گسترده ای در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی به همراه داشته باشد.

حقوق و دستمزد

نگاهی به افزایش غیر متناسب دستمزد
نسبت به تورم ۴ سال گذشته

نورم در گروه خوراکی ۵ برابر نورم عمومی



تأثیر مثبت افزایش قدرت خرید بر رشد اقتصادی کشور

افزایش حقوق کارگران، به‌ویژه در دهک‌های پایین جامعه، تأثیر مستقیمی بر رشد اقتصادی دارد و می‌تواند به عنوان یک محرک قوی برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور عمل کند. براساس گزارش‌های کارشناسی، وقتی قدرت خرید کارگران افزایش می‌یابد، تقاضای کالاها و خدمات داخلی نیز رشد می‌کند که این امر موجب رونق تولید، افزایش اشتغال و



گردش بیشتر سرمایه در اقتصاد می‌شود. در شرایطی که اکثریت جامعه حداقل بگیر هستند و بخش عمده‌ای در آمد خود را صرف هزینه‌های روزمره می‌کنند، افزایش سهمزده‌ها نه تنها معیشت خانوارهای کارگری را تقویت می‌کند، بلکه به تحریک تقاضای موثر در بازار نیز منجر می‌شود. این تقاضا، محور محرک تولید داخلی است و می‌تواند در شرایط رکودی، نقش کلیدی در خروج از بحران ایفا کند.

در همین زمینه، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز تأکید کرده که افزایش حداقل حقوق کارگران متناسب با نرخ تورم، نه تنها بر کارگران بلکه بر معیشت مستمری‌بگیران نیز تأثیر مثبت دارد و موجب رشد اقتصادی بیشتر خواهد شد. به گفته میدری، افزایش حقوق برای دهک‌های پایین جامعه، به‌ویژه قشر کارگری، نه تنها یک اقدام عدالت‌محور است، بلکه یک سیاست اقتصادی هوشمندانه برای تحریک رشد، کاهش رکود و تقویت بنیان‌های تولید ملی محسوب می‌شود. این سیاست، اگر با کنترل تورم و اصلاحات ساختاری همراه باشد، می‌تواند مسیر توسعه پایدار را هموار کند.



واقع، اگر دولت در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ اقدام به ترمیم واقعی حقوق کرده باشد، امروز با بحران شدیدتری در حوزه معیشت مواجه نبوده‌ایم.

امیران نداری در ادامه تحلیل‌های خود کید می‌کند که سیاست‌های پولی و مالی به گونه‌ای تنظیم نشوند که هم‌زمان کنترل تورم، امکان افزایش دستمزدها، تمرکز صرف بر کنترل تورم، نیندیشی بدون توجه به قدرت خرید مردم، تنها موثر نباشد، بلکه موجب تعمیق نابرابری خواهد شد. از این رو پیشنهاد می‌شود که دولت با اصلاح ساختار بودجه، کاهش هزینه‌های غیر ضروری و هدفمند کردن یارانه‌ها، منابع لازم برای ترمیم حقوق را فراهم کند.

سکوت ادامه دار شورای عالی کار

بر این میان، نقش نهادهای صنفی و شورای عالی کار نیز بسیار حیاتی است و لازم است که نهادهای با استناد به آمارهای رسمی تورم و هزینه‌های زندگی، فشار لازم را برای زنگری در سیاست‌های دستمزدی وارد نکنند، هرچند تاکنون تحرک خاصی در این میان دیده نشده است.

رئیس‌انسان معتقدند اگر دولت بخواهد از

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی

[illegible]

۱۲۰۵/۱۱: انتشار نویت اول:
 ۱۴۰۴/۵/۲۹: انتشار نویت دوم:
 سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زیبادشت
 تهران - محمد علی ابراهیمی

اسہ آگهی ۱۹۷۶۹۴۲

مدیریت تهران برای مهار مکانیسم ماشه دیپلماسی در دقیقه نود



گروه سیاسی | در آستانه ضرب‌الاجل تعیین‌شده توسط تروئیکای اروپایی (آلمان، فرانسه و بریتانیا) برای ارسال نامه فعال‌سازی مکانیسم ماشه تا پایان اوت ۲۰۲۵ (نهم شهریور ۱۴۰۴) ایران بار دیگر به دیپلماسی دقیقه نود روی آورده است. این استراتژی، که در گذشته نیز در مذاکرات هسته‌ای بارها به کار گرفته شده، به نظر می‌رسد با هدف خرید زمان، تلطیف فضای بین‌المللی و جلوگیری از بازگشت خودکار تحریم‌های سازمان ملل (اسنپ‌بک) طراحی شده است. اظهارات اخیر «اسماعیل بقایی» سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در نشست خبری روز دوشنبه ۲۷ مرداد (۱۴۰۴ مبنی بر ادامه مذاکرات با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)) در روزهای آتی، نشان‌دهنده تلاش تهران برای مدیریت بحران کنونی است.

ضربه‌گیر دیپلماتیک

ایران پس از حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به تاسیسات هسته‌ای خود در جریان جنگ ۱۲ روزه ژوئن ۲۰۲۵، دست به تغییر رفتار و موازنه جدی در روابط با آژانس و تروئیکای اروپایی زده است. این حملات که به گفته منابع غربی به دلیل گزارش‌های آژانس درباره نقض تعهدات ایران در چارچوب معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (NPT)) توجیه شد، روابط تهران با این نهاد بین‌المللی را به تیرگی کشانده است. با این حال، سخنان بقایی مبنی بر ادامه گفت‌وگوها و سفر اخیر معاون مدیر کل آژانس به تهران، نشانه‌ای از تلاش ایران برای بازتعریف همکاری‌ها و جلوگیری از تشدید تنش‌هاست. این اقدامات می‌تواند به‌عنوان یک ضربه‌گیر دیپلماتیک برای مدیریت فضای کنونی تا پایان ضرب‌الاجل اروپا عمل کند.

مذاکرات اخیر ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به‌ویژه پس از سفر معاون مدیر کل این نهاد به تهران، به نظر می‌رسد بخشی از استراتژی تهران برای کاهش فشارهای بین‌المللی باشد. بقایی تأکید کرده که این گفت‌وگوها با هدف تدوین شیوه‌نامه‌ای جدید برای تعامل با آژانس انجام شده و دور بعدی مذاکرات به‌زودی برگزار خواهد شد. این رویکرد در کنار اظهارات «رافائل گروسی» مدیر کل آژانس که نسبت به بازگشت بازرسان به ایران تا پایان سال جاری خوش‌بین است، نشان‌دهنده تمایل دو طرف به حفظ کانال‌های دیپلماتیک است. این مذاکرات می‌تواند به تهران فرصت دهد تا با ارائه تضمین‌هایی درباره شفافیت برنامه هسته‌ای خود، از جمله توضیح درباره ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده با غنای بالا، از فعال‌سازی مکانیسم ماشه جلوگیری کند.

مذاکرات با آژانس و سناریوی تمدید مکانیسم ماشه

تروئیکای اروپایی در نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل در ۱۲ اوت ۲۰۲۵، تهدید کرده‌اند که در صورت عدم پیشرفت در مذاکرات، مکانیسم ماشه را تا پایان اوت فعال خواهند کرد. با این حال، گزارش‌ها حاکی از پیشنهاد این سه کشور برای تمدید شش‌ماهه مهلت مکانیسم ماشه در ازای همکاری کامل ایران با آژانس و ازسرگیری مذاکرات با آمریکا است. این پیشنهاد که به گفته منابع غربی مشروط به شفاف‌سازی درباره ذخایر اورانیوم و بازگشت بازرسان است، می‌تواند به ایران فرصت بیشتری برای مذاکره و کاهش تنش‌ها بدهد. تهران که پیش‌تر تهدید به خروج از NPT و ایجاد ناامنی در منطقه (ازجمله پخش تنگه هرمز) کرده، به نظر می‌رسد با ادامه گفت‌وگوها به دنبال تلطیف فضا و ایجاد زمینه برای پذیرش این تمدید است. این استراتژی می‌تواند از بازگشت فوری تحریم‌های سازمان ملل جلوگیری کرده و به ایران امکان دهد تا بسا دونالد ترامپ، مذاکرات غیرمستقیم را از سر بگیرد.

تردید یا خوش‌بینی!

دیپلماسی دقیقه نود ایران، هرچند در کوتاه‌مدت می‌تواند به کاهش فشارها و تمدید مهلت مکانیسم ماشه منجر شود اما با چالش‌های متعددی روبروست. نخست، فقدان اعتماد متقابل بین ایران و آژانس، به‌ویژه پس از اتهامات تهران مبنی بر جانبداری گروسی در گزارش‌هایش، مذاکرات را شکننده کرده است. دوم، فشارهای سیاسی آمریکا، به‌ویژه در دوره ترامپ، ممکن است آژانس را به سمت اتخاذ مواضع سخت‌گیرانه‌تر سوق دهد. با این حال، حمایت احتمالی روسیه و چین از ایران در شورای امنیت می‌تواند فعال‌سازی مکانیسم ماشه را باوتوی این دو کشور بی‌اثر کند.

در نهایت، ادامه همکاری با آژانس و پذیرش شروط محدود، مانند بازگشت بازرسان یا ارائه گزارش درباره ذخایر اورانیوم، می‌تواند به ایران کمک کند تا سناریوی تمدید شش‌ماهه مکانیسم ماشه را محقق کند. این امر نه‌تنها به تهران فرصت می‌دهد تا در برابر فشارهای اروپا و آمریکا مقاومت کند، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز مذاکرات جامع‌تری برای لغو تحریم‌ها باشد. با این حال، موفقیت این استراتژی به توانایی ایران در ارائه تضمین‌های معتبر و مدیریت تنش‌های منطقه‌ای، به‌ویژه در خلیج فارس، بستگی دارد. در غیر این صورت، خطر بازگشت تحریم‌های سازمان ملل و انزوای بیشتر ایران همچنان پابرجاست. لذا فضای پیش‌رو در روزها و هفته‌های آتی ترکیبی از تردید یا خوش‌بینی است و باید منتظر ماند و دید که آینده، آبستن چه اتفاقاتی خواهد بود.



مسیر پر پیچ و خم دیپلماسی؛ ترامپ، پوتین و زلنسکی

از آلاسکا تا واشنگتن همه راه‌ها به اتاق بیضی ختم شد



اروپایی‌ها به‌خوبی می‌دانند که تماس مستقیم ترامپ و پوتین نشان‌دهنده احتمال کاهش تنش آنها در خط مقدم دیپلماسی اوکراین است؛ موضوعی که می‌تواند در بلندمدت به شکاف‌هایی در اتحاد فرآتلانتیک منجر شود

ساختاری همچنان پابرجاست. نخست آنکه، اوکراین آشکارا اعلام کرده هیچ توافقی که به واگذاری سرزمین منجر شود، پذیرفتنی نیست؛ موضعی که به خط قرمز حیاتی برای کی‌یف بدل شده است. در سوی مقابل، کرملین بارها تأکید کرده که «واقعیت‌های سرزمینی جدید» باید مبنای هر گونه توافق باشد.

این شکاف بنیادین، هر گونه امید به مصالحه سریع را تضعیف می‌کند. افزون بر این، رهبران اروپایی نگرانند که حضور ترامپ در جایگاه میانجی، وزن اروپا را در معادله صلح کاهش دهد و ابتکار عمل را از بروکسل و پایتخت‌های اروپایی به واشنگتن منتقل کند.

با وجود این، تماس ۴۰ دقیقه‌ای ترامپ و پوتین نشان می‌دهد که هر دو طرف دست کم در سطح تاکتیکی آماده‌اند کانال ارتباطی مستقیم را باز نگه دارند. چنین آمادگی‌ای اگر به دیدار دو جانبه اولیه پوتین و زلنسکی منجر شود، می‌تواند بستر نمدانی برای ورود ترامپ به عنوان میانجی رسمی فراهم آورد اما تردیدهای جدی باقی است که آیا مسکو حاضر خواهد شد بدون امتیاز سرزمینی وارد مذاکره شود؟ آیا زلنسکی، در حالی که جامعه اوکراین به شدت مخالف مصالحه ارضی است، می‌تواند در برابر فشارهای خارجی انعطاف نشان دهد؟ و مهم‌تر از همه، آیا اروپا به چنین روندی اعتماد خواهد کرد یا تلاش خواهد کرد ابتکار عمل را دوباره به دست بگیرد؟

دیپلماسی شکننده در سایه بازدارندگی فراتر از تاکتیک‌های مقطعی، پرسش اصلی این است که آینده بحران اوکراین در چه مسیری حرکت خواهد کرد. مجموعه گفت‌وگوهای اخیر در واشنگتن و تماس مستقیم ترامپ و پوتین، در پیچیده‌ی تازه به روی دیپلماسی کشوده است اما دوام آن وابسته به چند عامل کلیدی خواهد بود. اولین عامل، تضمین‌های امنیتی برای اوکراین است. غرب اکنون در حال طراحی مدلی است که از یک‌سو به کی‌یف اطمینان دهد تنها رها نخواهد شد و از سوی دیگر، به معنای الحاق رسمی به ناتو نباشد. ایده «چتر امنیتی مشابه

می‌شود. اگرچه اوکراین عضو رسمی ناتو نیست اما ایجاد سازوکاری شبه‌ماده ۵ می‌تواند امنیت کی‌یف را تا حدی تضمین کند. با این حال، اجرای چنین مدلی نیازمند توافق دقیق بر سر دامنه و چگونگی واکنش نظامی کشورهای غربی است.

اروپایی‌ها نگرانند که اعطای تضمین‌های گسترده به اوکراین، روسیه را به واکنش تهاجمی‌تر وادارد، در حالی که محدود بودن این تضمین‌ها می‌تواند کی‌یف را ناامید کند. در همین چارچوب، به نظر می‌رسد واشنگتن قصد دارد میان یک «ناتو رسمی» و یک «چتر امنیتی عملیاتی» برای اوکراین تعادلی شکننده ایجاد کند.

نشست سه‌جانبه: میان امید و تردید طرح ترامپ برای برگزاری نشست سه‌جانبه میان خود، زلنسکی و پوتین، از یک‌سو امیدها را برای آغاز روندی تازه در دیپلماسی اوکراین افزایش داده و از سوی دیگر پرسش‌های جدی درباره واقعیتی آن ایجاد کرده است. در نگاه اول، چنین دیداری می‌تواند شکاف فعلی میان کانال‌های موازی مذاکره را پر کند و سطح گفت‌وگو را از نمایندگان میانی به عالی‌ترین سطح سیاسی برساند. با این حال، موانع فراآتلانتیک منجر شود.

ماده ۵ ناتو و معای امنیتی اوکراین یکی از مهم‌ترین محورهای نشست واشنگتن، بحث بر سر جایگاه اوکراین در چارچوب امنیتی غرب بود. «مارک روت» دبیر کل ناتو با صراحت فراینده آذری‌ها با اوکراین در حوزه انرژی دستور کار نیست» اما تأکید کرد که بحث‌ها حول ارائه تضمین‌های امنیتی مشابه ماده ۵ در جریان است. ماده ۵ پیمان آتلانتیک شمالی، اصل «دفاع جمعی» را تثبیت می‌کند؛ به این معنا که حمله به یک عضو ناتو حمله به همه اعضا محسوب

دیدار با زلنسکی طی دو هفته آینده موافقت کرده، هر چند تردیدهایی درباره «شجاعت سیاسی» کرملین برای چنین نشستی باقی است. در همین حال، رهبران دیگر اروپایی همچون «الکساندر استاب» رئیس‌جمهور فنلاند، آغاز روند عملیاتی تدوین تضمین‌های امنیتی را یک گام واقعی توصیف کردند اما در کنار این خوش‌بینی محتاطانه، اروپایی‌ها به‌خوبی می‌دانند که تماس مستقیم ترامپ و پوتین نشان‌دهنده احتمال کاهش نقش آنها در خط مقدم دیپلماسی اوکراین است؛ موضوعی که می‌تواند در بلندمدت به شکاف‌هایی در اتحاد فرآتلانتیک منجر شود.

اروپایی‌ها بین خوش‌بینی و تردید واکنش تهران اروپایی حاضر در کاخ سفید نشان‌دهنده شکاف ظریف میان امید به میانجیگری آمریکا و نگرانی از امتیازدهی زودهنگام بود. «مانوئل مکرون» رئیس‌جمهور فرانسه، مهم‌ترین دستاورد نشست را تعهد واشنگتن به تدوین محتوای «تضمین‌های امنیتی» برای اوکراین دانست. او بر ضرورت برقراری آتش‌بس پیش از هر گونه گفت‌وگوی مستقیم زلنسکی-پوتین تأکید کرد و هشدار داد که اروپا باید در صورت شکست روند مذاکره، آماده تشدید تحریم‌ها علیه مسکو باشد.

فریدریش مرتس» صدراعظم آلمان نیز خبر داد که پوتین در گفت‌وگو با ترامپ، با اصل

حسین قاضی
هفت صبح

دوشنبه، ترامپ میزبان «ولودیمیر زلنسکی» و هفت تن از رهبران اروپایی در کاخ سفید بود؛ جلسه‌ای که به‌زعم ناظران قرار بود بر موضوع «تضمین‌های امنیتی برای اوکراین» متمرکز باشد، به شکلی غیرمنتظره با تماس مستقیم ترامپ با رئیس‌جمهور روسیه به مدت ۴۰ دقیقه به نقطه عطفی تبدیل شد. براساس گزارش اکسیوس، ترامپ جلسه را نیمه‌تمام رها کرد تا با پوتین گفت‌وگو کند و حتی ایده برگزاری نشست سه‌جانبه میان خود، زلنسکی و پوتین را مطرح کرد. این اقدام، به‌نوعی بازتعریف نقش آمریکا در مدیریت بحران اوکراین بود؛ از یک‌باز یگر پشتیبان اروپا به سمت بازیگر اصلی و میانجی مستقیم. در سوی مقابل، کرملین با استقبال محتاطانه از این تماس، آن را «صریح و موثر» توصیف و تأکید کرد که دو طرف از مذاکرات مستقیم روسیه و اوکراین حمایت کرده‌اند. این نشان می‌دهد که مسکو نیز به دنبال آموذن مسیر تازه‌ای در دیپلماسی بحران است، هر چند اهداف و خطوط قرمز خود را همچنان حفظ کرده است.

اروپایی‌ها بین خوش‌بینی و تردید واکنش تهران اروپایی حاضر در کاخ سفید نشان‌دهنده شکاف ظریف میان امید به میانجیگری آمریکا و نگرانی از امتیازدهی زودهنگام بود. «مانوئل مکرون» رئیس‌جمهور فرانسه، مهم‌ترین دستاورد نشست را تعهد واشنگتن به تدوین محتوای «تضمین‌های امنیتی» برای اوکراین دانست. او بر ضرورت برقراری آتش‌بس پیش از هر گونه گفت‌وگوی مستقیم زلنسکی-پوتین تأکید کرد و هشدار داد که اروپا باید در صورت شکست روند مذاکره، آماده تشدید تحریم‌ها علیه مسکو باشد.

فریدریش مرتس» صدراعظم آلمان نیز خبر داد که پوتین در گفت‌وگو با ترامپ، با اصل

ایده «چتر امنیتی مشابه الزام آور باشد، بیش از آنکه یک تعهد سیاسی است. هرچه این ابزار بازدارندگی در برابر فشارهای روسیه بیشتر شود، احتمال مقاومت اوکراین در برابر فشارهای روسیه بیشتر خواهد شد وجود دارد که کی‌یف با کاهش امید، خطر آن کند و به مسیر جنگی طولانی کشیده شود

تنش‌های جمهوری آذربایجان و روسیه

گسل‌های سیاسی در قفقاز جنوبی

کردن این حملات، بر تداوم همکاری با اوکراین تأکید کرد که این امر به نوبه خود تنش‌ها را تشدید کرده است. تحلیلگران معتقدند که این اقدامات روسیه تلاشی برای تضعیف جایگاه آذربایجان به‌عنوان هاب انرژی جایگزین برای اروپا و تنبیه باکو به دلیل نزدیکی به غرب است.

مناقشه بر سر نام‌های جغرافیایی تنش‌های میان روسیه و آذربایجان تنها به مسائل نظامی و انرژی محدود نمی‌شود، بلکه در حوزه‌های دیپلماتیک و نمادین نیز نمود یافته است. اقدام اخیر رسانه‌های دولتی روسیه، ازجمله خبرگزاری تاس، در استفاده از نام‌های ارمنی برای مناطق قره‌باغ مانند «استپاناکرت»، خشم مقامات آذربایجانی را برانگیخت. وزارت امور خارجه آذربایجان با صدور بیانیه‌ای تهدید کرد که در صورت تداوم این

نقش آذربایجان در حمایت از اوکراین و خشم کرملین یکی از عوامل کلیدی تشدید تنش میان جمهوری آذربایجان و روسیه، همکاری فراینده آذری‌ها با اوکراین در حوزه انرژی است. مذاکرات میان کی‌یف و باکو برای تأمین گاز طبیعی، به‌ویژه از طریق کریدور ترانس‌بالکان، نشان‌دهنده تلاش آذربایجان برای جایگزینی گاز روسیه به بازار اروپا و حمایت از اوکراین در برابر فشارهای مسکو است. این همکاری که شامل انتقال آزمایشی گاز در ژوئیه ۲۰۲۵ بود، با واکنش تند روسیه مواجه شد.

حملات هوایی اخیر روسیه به تأسیسات نفت و گاز شرکت سوکار آذربایجان در اوکراین، ازجمله پایانه نفتی و ایستگاه پمپاژ گاز در منطقه اودسا، نشان‌دهنده خشم کرملین از سیاست‌های باکو است. «الهام علی‌اف» رئیس‌جمهور آذربایجان، ضمن محکوم

کند. با این حال، حملات هدفمند روسیه به زیرساخت‌های انرژی آذربایجان در اوکراین و افزایش اقدامات اطلاعاتی و دیپلماتیک، مانند بازداشت اتباع آذربایجانی در روسیه و واکنش متقابل باکو، نشان‌دهنده پتانسیل بالای بی‌ثباتی در منطقه است.

نگرانی پوتین از پیوستن احتمالی آذربایجان و ارمنستان به ناتو و استقرار نیروهای غربی در نزدیکی مرزهای روسیه، این تنش‌ها را به سطحی استراتژیک ارتقا داده است. تحلیلگران معتقدند که قفقاز جنوبی می‌تواند به کانون بحرانی جدید تبدیل شود، به‌ویژه اگر رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان روسیه، آمریکا، ترکیه و ایران نیز با نگرانی از حضور ناتو در کریدور زنگزور، ممکن است نقش فعال‌تری در این معادلات ایفا کند که این امر پیچیدگی‌های منطقه‌ای را افزایش خواهد داد. در این میان، سیاست موازنه‌گرانه آذربایجان در همکاری با غرب و ترکیه، در کنار حفظ روابط محدود با روسیه، این کشور را در موقعیتی حساس قرار داده که می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای ثبات قفقاز داشته باشد.

احتمال درگیری نظامی و پیامدهای منطقه‌ای با توجه به تحولات اخیر، برخی ناظران احتمال درگیری نظامی مستقیم میان روسیه و آذربایجان را مطرح کرده‌اند، هرچند بعید به نظر می‌رسد که مسکو با توجه به تمرکز بر جنگ اوکراین، جبهه جدیدی در قفقاز باز



حیات بشر و ششمین انقراض بزرگ

تغییر اقلیم مرگبار تر از چیزی است که به نظر می رسد



گروه بین الملل | رهاسازی بی‌وقفه و انبوه دی‌اکسید کربن در جو زمین، با همین شتابی که پیش می‌رویم، می‌تواند سیاره را به آستانه «مرگ بزرگ» دیگری بکشانَد.

انقراض‌های جمعی

دنیل راثمن در آخرین طبقه ساختمانی کار می‌کند که دانشکده علوم زمین، جو و سیاره‌های مؤسسه فناوری ماساچوست (MIT) در آن قرار دارد؛ ساختمانی عظیم و بتنی که همچون دومینیوی خاکستری بر فراز رودخانه چارلز در کمبریج ایستاده است. راثمن ریاضیدانی است که شیفته مطالعه رفتار سامانه‌های پیچیده است و در «زمین» موضوعی درخور یافته. تمرکز او بر چرخه کربن سیاره در اعماق تاریخ زمین است؛ به‌ویژه دوره‌های نادری که این چرخه از آستانه‌ای حیاتی عبور کرده، از کنترل خارج شده و تنها پس از صدها هزار سال دوباره به تعادل بازگشته است.

فوران‌های قاره‌هیم!

چون زندگی روی زمین بر پایه کربن استوار است، این اختلال‌های شدید در چرخه کربن در عمل چیزی جز «انقراض‌های جمعی» نیستند؛ همان رویدادهایی که تاریخ زمین‌شناسی را با نقطه‌های تاریک و هولناک خود مشخص می‌کنند. نگران‌کننده آنکه، زمین‌شناسان در چند دهه اخیر دریافته‌اند بسیاری —اگر نگوییم اغلب— از انقراض‌های بزرگ تاریخ زمین، از جمله سهمگین‌ترین آن‌ها، بر خلاف انتظار نه به‌دلیل بر خورد شهاب‌سنگ‌ها بلکه بر اثر فوران‌های آتشفشانی گسترده رخ داده‌اند؛ فوران‌هایی قاره‌هیم که مقادیر فاجعه‌باری از دی‌اکسید کربن را به هوا و اقیانوس‌ها تزریق کرده‌اند.

نابسامانی سیاره‌ای

اگر به یکپاره مقدار کافی دی‌اکسید کربن وارد چرخه زمین شود و چرخه حیاتی کربن را بیش از اندازه از تعادل خارج کند، ممکن است سامانه زمستی سیاره وارد مرحله‌ای از «نابسامانی سیاره‌ای» شود؛ وضعیتی که در آن فرآیندهای درونی خود زمین کنترل اوضاع را به دست می‌گیرد و با سازوکار بازخورد مثبت، حجم بسیار بیشتری از کربن را آزاد می‌سازند. این رهاسازی دومین، سیاره را به سفری ویرانگر در طول صدها هزار سال می‌برد، پیش از آنکه دوباره به آرامش نسبی بازگردد. و نکته اینجااست که چندان تفاوتی نمی‌کند میزان دی‌اکسید کربن بالاتر یا پایین‌تر از امروز باشد، یا دمای زمین گرم‌تر یا سردتر؛ آنچه زمین را به آستانه «خرال‌زمان» می‌کشاند، سرعت تغییر در غلظت CO۲ است.

دلیلش روشن است: چرخه کربن به‌خوبی می‌تواند جریان آرام و پیوسته دی‌اکسید کربنی را که در طول

بنگه دنیا

حمله به آزادی بیان و حقوق اساسی دانشجویان



وزارت امور خارجه آمریکا ویزای دانشجویی بیش از شش هزار نفر را در سال ۲۰۲۵ میلادی لغو کرد؛ دلایل این امر اقامت بیش از حد مجاز و نقض قانون از جمله حمایت از فلسطین و حماس اعلام شده است.

وزارت خارجه ایالات متحده اعلام کرد که طی ماه‌های اخیر بیش از ۶ هزار ویزای دانشجویی بین‌المللی را به دلیل نقض قوانین آمریکا با اقامت غیرقانونی لغو کرده است. به گزارش اپوک‌تایمز، این وزارت‌خانه گفته است که «بخش عمده‌ای» از موارد لغو ویزا مربوط به تخلفاتی نظیر خشونت، رانندگی در حالت مستی، سرقت و همچنین «حمایت از تروریسم» بوده است. بخشی از این اقدامات شامل لغو ویزای دانشجویانی بوده که در حمایت از حماس و فلسطین دست به اعتراض زده‌اند؛ مقام‌های آمریکایی

کیوسک



فایننشال تایمز انگلیس از تعهد و تضمین ترامپ برای برقراری امنیت بین اوکراین و روسیه در صورت توافق خبر داد.

نیویورک تایمز آمریکا می‌گوید سران کشورهای اروپایی، ترامپ را مجبور کردند تا به عنوان ضامن توافق بین روسیه و اوکراین نقش ایفا کند.

میلیون‌ها سال از آتشفشان‌ها خارج می‌شود، در خود جا دهد؛ گازی که میان هوا و اقیانوس‌ها جابه‌جا می‌شود، در زیست‌کره باز چرخانی می‌گردد و سرانجام دوباره به دل زمین بازمی‌گردد. در حقیقت، همین رفت‌وآمد همان «چرخه کربن» است. اما اگر این فرآیند سیاره‌ای در یک بازه زمانی به‌اصطلاح «ژئولوژیکاً کوتاه» با بار عظیمی از CO۲ مختل شود —بیش از آنچه زمین توان جذبش را داشته باشد— ممکن است واکنشی زنجیره‌ای و شتاب‌گرفته آغاز شود که به‌مراتب ویرانگرتر از فاجعه نخستین آغازگر ماجرا باشد. احتمال دارد آستانه‌ای وجود داشته باشد که رخ داده‌های معمولی گرمایش در تاریخ زمین —رخدادهایی که زیست‌کره به‌نحوی با «خونسردی» از سر گذرانده است— را از رویدادهایی جدا کند که بی‌مهار به‌سوی انقراض‌های جمعی پیش می‌روند.

مسیر شوم انقراض جمعی

بیش از ۶۰ میلیون سال از آخرین باری که زمین از چنین آستانه‌ای عبور کرده می‌گذرد. اما به‌گفته محاسبات راثمن، ما اکنون در دست در آستانه قرار دادن سیاره روی همان مسیر کهن و شوم هستیم؛ مسیری که شاید هزاران سال طول بکشد تا به مقصد نهایی یعنی انقراض جمعی برسد اما به‌محض آنکه حرکت آغاز شود، گریزی از آن نخواهد بود. براساس آنچه در کل تاریخ زمین‌شناسی شناخته شده، تنها چند راه محدود برای آزادسازی میلیاردها تن کربن از پوسته زمین به‌جو وجود دارد. از یک سو، فوران‌های عظیم و دورامی آتشفشانی موسوم به «استان‌های آذرین

ویزای افرادی که به عنوان میهمان وارد کشور شده‌اند اما نظم دانشگاه‌ها را برهم می‌زنند، ادامه می‌دهیم.» طبق آمار سازمان «لوین دوز»، در سال تحصیلی ۲۰۲۴-۲۰۲۳ بیش از ۱.۱ میلیون دانشجوی بین‌المللی از بیش از ۲۱۰ کشور در دانشگاه‌های آمریکا مشغول به تحصیل بوده‌اند. مقام‌های آمریکایی گفته‌اند برخی دانشجویان به دلیل فعالیت‌های سیاسی و اعتراضات مرتبط با فلسطین و انتقاد از اسرائیل نیز هدف قرار گرفته‌اند و این اقدامات «تهدیدی علیه سیاست خارجی آمریکا» تلقی شده است. این تصمیم بخشی از سیاست‌های سخت‌گیرانه دولت دونالد ترامپ در حوزه مهاجرت و دانشجویان خارجی است. دولت او علاوه بر سخت‌تر کردن بررسی سوابق و نظارت بر شبکه‌های اجتماعی دانشجویان، به دانشگاه‌های بزرگ آمریکا از جمله هاروارد فشار آورده و حتی تهدید به لغو معافیت مالیاتی آن‌ها کرده است. منتقدان می‌گویند این رویکرد در عمل حمله‌ای به آزادی بیان و حقوق اساسی دانشجویان است. دموکرات‌ها لغو روایدهای دانشجویی را «حمله به دادرسی عادلانه» توصیف کرده‌اند. در سال تحصیلی گذشته بیش از یک میلیون دانشجوی خارجی در آمریکا مشغول تحصیل بودند. دونالد ترامپ در کارزار انتخاباتی خود بر لزوم قوانین سخت‌گیرانه مرزی و مهاجرتی تأکید داشته است. دونالد ترامپ در میانه خرداد امسال در فرمانی ورود شهروندان ایران و ۱۱ کشور دیگر به خاک آمریکا را ممنوع و برای هفت کشور دیگر محدودیت‌های سفر و ورود تعیین کرد.

چهار روز



دادستان‌های نروژ روز دوشنبه ۱۸ اوت اعلام کردند که ماریوس بورگ هوپبی، پسر ارشد پرنسس مته مریت، همسر ولیعهد نروژ، پس از انجام تحقیقات طولانی‌مدت، به ارتکاب جرایم متعددی از جمله چهار مورد تجاوز متهم شده است. یورونیوز نوشت: مادر او پرنسس مته مریت، در سال ۲۰۰۱ میلادی یعنی زمانی که ماریوس بورگ هوپبی چهار سال داشت، با ولیعهد کنونی نروژ ازدواج کرد که در آن زمان خبری جنجالی محسوب می‌شد. پدر واقعی ماریوس نیز به دلیل ارتکاب جرایمی همچون مصرف مواد مخدر، خشونت، رانندگی در حال مستی و حمل مواد مخدر سابقه محکومیت و زندان دارد. بنا بر اعلام استرولا هنریکسبو، دادستان ایالت اسلو، ماریوس بورگ هوپبی در صورت محکومیت ممکن است با مجازات تا ۱۰ سال زندان روبه‌رو شود. در میان فهرست طولانی اتهامات او دست‌کم چهار فقره تجاوز جنسی دیده می‌شود.

عکس روز

برندگان جوایز عکاسی با آیفون در سال ۲۰۲۵

بخش معماری، «وقتی درختان شاه بلوط شکوفا می‌شوند» نوشته جولیا زیرینا، بخش کودکان، «پل بی‌پایان تاین» اثر آدریان بیزلی، بخش چشم‌انداز شهری، «لوبک آماناس» اثر ینس پترسون، بخش مناظر طبیعی، «کی یک بادکنک فیلی گم کرده؟» اثر لئو هوانگ، بخش سبک زندگی، «بامبو زمستانی» اثر مارک سارمینتو، بخش طبیعت، «خطوط زمستانی» اثر آندره اسکاگرویک، بخش دیگر، «رنگ‌های شاد محله» اثر کارولینا زیلونی، بخش مردم، «من شاهم» اثر والر یا کامارری، بخش پرتره، «پازل» اثر دومینیک دنکه، بخش مجموعه، «بازی در هوا» اثر مینگهویی شو، بخش کودکان، «تعقیب نور» اثر لان ژان شیانگ، چشم‌انداز شهری، «بدون عنوان» اثر دومینیک دنکه، بخش دیگر و عکس از کستوتیس چمنولونسکیس بخش مردم. در ادامه چند عکس از میان برندگان را به نقل از یورونیوز ببینید.



ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



جی‌لو و قلب شکسته‌اش: پایان افسانه عشق؟

کاترین زتاجونز بازیگر سریال «ونزدی» می‌گوید داشتن چهار خانه در سه کشور نه «زیادی» و در آنها احساس «راحتی» می‌کند. بازیگر فیلم «ماسک زورو» (The Mask of Zorro) که ۲۵ سال است با مایکل داگلاس ازدواج کرده دو خانه در نیویورک، یکی در کانادا و یک خانه دیگر در اسپانیا دارد. به گزارش سی‌نما، زتاجونز در مصاحبه با «تایمز لندن» می‌گوید: «می‌دانم که خیلی اشرافی به نظر می‌رسد اما دوست دارم در احاطه زیبایی باشم و زیدام‌روی نیست، بسیار راحت است.» او به قدری احساس راحتی می‌کند که جوایز اسکار خود را در دو خانه مختلف نگهداری می‌کند. این بازیگر ۵۵ ساله که در سال ۲۰۰۳ برای «شیکاگو» برنده اسکار بهترین بازیگر زن نقش مکمل شد، می‌گوید: «جایزه من در خانه بیلاقی نیویورک است. اسکار مایکل در آپارتمان نیویورک. آنها را جدا از یکدیگر نگهداری می‌کنیم تا شیطنت نکنند.» داگلاس ۸۰ ساله برای فیلم «وال استریٹ» (Wall Street) در سال ۱۹۸۸ برنده اسکار بهترین بازیگر مرد نقش مکمل شد.

نیوزن



واژگانی که بر غنای فرهنگی افزودند، از زبان سُغدی تا فرهنگستان امروز فارسی، میراث زنده عهد باستان

گروه فرهنگ و هنر | زبان فارسی در میان زبان‌های جهان سرنوشتی یگانه دارد. برخلاف بسیاری از زبان‌هایی که با زور شمشیر و سیطره سیاسی اقوام فاتح بر دیگران تحمیل شدند، فارسی از دل همزیستی اقوام گوناگون برآمد و به زبان مشترک ایرانیان بدل شد. هیچ قوم خیالی «فارس» در تاریخ بر دیگران نتاخت تا فرهنگ و زبان خود را تحمیل کند. برعکس، ترک و مغول و عرب که بر ایران حکومت کردند خود برابر قدرت و شکوه فارسی سر فرود آوردند و آثارشان را به این زبان نوشتند و به تدریج و در دل اعصار میراث ادبی و علمی ایران، از رودکی و بهیقی تا ابن سینا و سعدی، در نرم‌افزار این زبان ذخیره شد. فارسی نه فقط وامدار گویش‌ها و زبان‌های بومی ایران چون کردی، لری، گیلکی و مازنی است، بلکه هنوز واژگان «سغدی» و «ارامی» را در خود زنده نگاه داشته است. این تداوم تاریخی امروز در میدان دیگری به حیات خود ادامه می‌دهد. فرهنگستان زبان و ادب فارسی می‌کوشد برابر سیل واژه‌های بیگانه، معادل‌های تازه بسازد و حیات زبان را تضمین کند. هرچند برخی از این واژه‌ها با تمسخر یا بی‌اعتنایی روبه‌رو می‌شوند، اما تجربه نشان داده است آنچه جامعه آن را بر زبان جاری کند خواهد ماند. فارسی زبانی زنده است، زبانی که نه با زور، که با طبیعت خود ادامه حیات می‌دهد.

🔴 زبان فارسی بی‌شمشیر فاتح شد

روس‌ها در روسیه تزاری قوم غالب بودند و زبان و فرهنگ خود را به زور بر روسیه حاکم کردند، ژرمن‌ها در آلمان قوم برتر بودند و زبان و فرهنگ خود را بر دیگر اقوام و خرده فرهنگ‌های آلمانی مسلط کردند. زبانی که امروزه در ایتالیا صحبت می‌شود زبان اقوام شمال ایتالیاست که بر دیگران تحمیل شد، زیبایی زبان فارسی آن است که قومی به نام قوم «پارس» یا «فارس» در تاریخ وجود نداشته است که به زور شمشیر بتواند زبان و فرهنگ خود را بر دیگر اقوام رنگارنگ در زیستگاه ایران تحمیل کند. هیچ قوم پارسی در تاریخ این سرزمین نبوده تا بر خان‌نشین‌ها و شاهزاده‌نشین‌های اطراف خود مثلاً خوزستان و آذربایجان و کردستان و گیلان و مازندران بنزاد یا به زور سرنیزه فرهنگ و زبان خود را بر دیگران غالب کند. این ویژگی فقط مختص زبان فارسی نیست، که ایران نیز چنین است و فرهنگ ایرانی نیز از چنین خصوصیتی بهره‌مند.

🔴 ایران طبیعی‌ترین کشور جهان

رابرت کاپلان نظریه‌پرداز شهیر آمریکایی ایران را طبیعی‌ترین و واقعی‌ترین کشور منطقه غرب آسیا و اولین ابرقدرت جهان باستان می‌داند. فارسی و ایران درهم‌تنیده‌اند و ویژگی‌هاشان مشترک است به همین قیاس می‌توان زبان فارسی را نیز زنده‌ترین و طبیعی‌ترین زبان باستانی جهان نامید که نه با زور شمشیر و جنگ و خون‌ریزی، که به طور طبیعی بر «اندیشه ایران» سایه افکنده است. بااین حال معلوم نیست قوم موهوم فارس از کدامین ذهن بیمار تراوش کرده و زبان فارسی را به آن نسبت داده است و به فرض محال وجود چنین قومی، این قوم خیالی در کدامین دوره بر سرزمین ایران حاکم بوده است.

🔴 پارسی‌گویی در دربار ترک و مغول

حاکمان ایران بعد از سقوط ساسانیان اغلب ترک‌تبار یا مغول بودند اما خود این حاکمان نیز به زبان فارسی می‌نوشتند و زبان و ادب فارسی چنان قدرتمند بود که مغول و ترکمان را فارسی‌گو کرد. قطران تبریزی به فاصله اندکی بعد از فردوسی بزرگ در خراسان در روستای شادآباد در نزدیکی تبریز بر پیش از حافظ و سعدی و مولانا، ریاستارین اشعار را به زبان فارسی سروده است. تمام مباحیه‌نامه‌ها، اسناد مالکیت ازدواج در تمام این دوران‌ها به زبان فارسی است، بهیقی در تاریخ‌نویسی‌های نامه‌هایی که پادشاهان به زبان پارسی می‌نوشتند روایت می‌کند، ملکشاه سلجوقی ترک‌تباری از آسیای میانه بر ایران حاکم شد و به اعتراف جرجانی پادشاهی پارسی‌دوست و پارسی‌گوی بود.

🔴 میوه‌های تمدنی زبان فارسی

بیشترین آفریده‌های فرهنگی و تمدن‌ساز ایران زمین در زبان فارسی متولد شده است؛ از «دانشنامه پزشکی حکیم میسر» (۲۱۴ خورشیدی) تا «دانشنامه علایی ابن‌سینا» از رودکی تا محمدحسین شهریار، از سیاست‌نامه‌های عهد کهن تا مناجات‌نامه‌های دوران معاصر جلگلی در نرم‌افزار این زبان بارگذاری شده است. از قضا بیشترین خدمات به زبان فارسی از سوی آذری‌های ترک‌زبان و دیگر اقوام به این زبان روا داشته شده است و به قول حافظ: «ترکان پارسی‌گوی بخشندگان عمرند- ساقی‌بشارتی ده پیران پارسا را». جالب آنکه فردریش انگلس، ششم ژوئن ۱۸۵۶ در نامه‌ای خطاب به مارکس، قیله آمال روشنفکرهای وطنی، زبان فارسی را زیباترین زبان جهان می‌داند و تاسف می‌خورد چرا این زبان، زبانی جهانی نیست.

🔴 سهم اقوام در شکوفایی ادب فارسی

زبان فارسی به خودی خود وام‌دار انبوهی از گویش‌ها و زبان‌هایی است که میزبان آنان بوده است و در آن انبوهی از واژگان دیگر گویش‌ها و زبان‌های این سرزمین اعم از کردی، ترکی، عربی، لری، بختیاری، برهویی، گیلکی، مازنی، سنگسری و غیره دیده می‌شود. زبان فارسی در دورانی پدید آمد که اقوام بسیاری در ایران کنار هم می‌زیستند و این زبان به طور طبیعی برای خلق ارتباط میان اقوام با زبان‌های گوناگون سغدی، آرامی، عیلامی، عبری، عربی، سانسکریت، ترکی و غیره از زهدان پارسی میانه زاده شد که خود میراث به جامانده از پارسی باستان عهد هخامنشیان بود. این فرایند شبیه فرایندی است که در زبان شناسی به آن پیچین (pidgin) یا زبان آمیخته می‌گویند و به همین سبب است که این زبان همچون زبان انگلیسی که آن نیز یک زبان ارتباطی و طبیعی است، از نگاه انگلس و مارکس قابلیت تبدیل شدن به زبانی جهانی را دارد زیرا از اساس زبانی برای ارتباط بوده و با زور شمشیر حاکم نشده است. در کمال ناباوری حتی امروز واژگانی از سغدی میان فارسی‌زبانان رایج است که از جمله می‌توان به فرخنده، نقره، کنشاورز، سنگسار، سراسیمه، زیور، زاج (زائو) و زنه‌ار‌خوار و آغاز اشاره کرد. انگلیسی برای ایجاد ارتباط میان رومن‌ها، ساکسن‌ها، کلت‌ها، گیلیش‌ها و وایکینگ‌ها پدید آمد و از اساس زبانی برای ارتباط بود که جهانی هم شد.

🔴 زبان در عصر حاضر

زبان فارسی، برخلاف بسیاری از زبان‌های جهان که با زور حاکمان یا سیطره سیاسی بر ملت‌ها تحمیل شدند، در یک روند طبیعی و تاریخی به زبان مشترک اقوام گوناگون ایران بدل شد و تا امروز زنده مانده است. همین زنده بودن، مسئولیتی بر دوش فارسی‌زبانان می‌گذارد تا از این میراث پاسداری کنند. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این پاسداری، کوشش برای ساخت و معرفی واژه‌های تازه است تا زبان بتواند هم‌پای تحولات علمی و اجتماعی پیش برود. فرهنگستان زبان و ادب فارسی در این مسیر گام برداشته، اگرچه هر بار با مقاومت، تمسخر یا بی‌اعتنایی بخشی از جامعه روبه‌رو شده است. این واکنش‌ها نه نشانه ضعف زبان که بخشی از طبیعت آن است. زبانی زنده هیچ‌گاه به یکباره واژه‌ای را نمی‌پذیرد، بلکه در بستر زمان، از دل استفاده‌های روزمره و کاربرد نهادها، برخی واژگان را جذب و برخی دیگر را کنار می‌گذارد. همان‌طور که روزگاری دانشگاه، زیست‌شناسی یا شهرداری، پرونده، پاسبان، کتاری، یارانه، بالگرد و…نیز غریب و ناآشنا می‌نمودند، اما امروز بی‌هیچ پرسشی بخشی از زندگی ما شده‌اند. زبان فارسی وامدار اقوام، گویش‌ها و فرهنگ‌های گوناگون است و با همین انعطاف‌پذیری قرن‌ها دوام آورده است. بنابراین هر واژه تازه، تلاشی برای ادامه همین زندگی مشترک است.

🔴 آزمون تازه برای زبان فارسی

زبان فارسی در روزگار ما با آمونی تازه روبه‌رو است: چگونه می‌تواند همگام با تحولات علمی و فرهنگی جهان، واژه‌های نو بسازد و زنده بماند؟ واژگانی چون «آزمونک»، «شکلک» و «پادپخش» که فرهنگستان زبان به‌عنوان جایگزین «کوبیز»، «بموجی» و «پادکست» معرفی کرده، ابتدا با طنز، تمسخر یا بی‌اعتنایی روبه‌رو شدند؛ اما سرانجام شاید جای خود را در زبان پیدا کنند. این واکنش‌ها تازگی ندارد. هر واژه‌ای در زمان نخستین حضورش با مقاومت اهل زبان مواجه می‌شود. روزی دانشگاه و زیست‌شناسی نیز متهم بودند که زبان فارسی را «خراب می‌کنند»، اما امروز هیچ‌کس بدون آن‌ها سخن نمی‌گوید.

فرهنگستان در دوره‌های مختلف کوشیده است واژه‌های تازه را در زبان فارسی رواج دهد. برخی مانند رایانه یا بالگرد با وجود مخالفت‌های اولیه جا افتادند و حتی به نام مجلات و اخبار راه یافتند؛ برخی دیگر اما هرگز نتوانستند از دایره لغت‌نامه‌ها فراتر بروند. این فرایند بخشی از حیات طبیعی زبان است. آنچه مردم در گفت‌وگوها و رسانه‌ها به کار ببرند باقی می‌ماند و آنچه کنار گذاشته شود، حذف می‌شود.

زبان فارسی، زبانی زنده و درهم‌تنیده با فرهنگ‌های گوناگون است. تداوم حیات آن در گروی این است که نسل امروز و فردا واژه‌های تازه را بشنوند، به کار ببرند و به مرور آن‌ها را از آن خود کنند. تمسخرها و مقاومت‌ها گذراست، اما زبان می‌ماند؛ زیرا فارسی، همچون گذشته، با نیروی درونی خود، راه‌آ‌پنده را می‌گشاید.

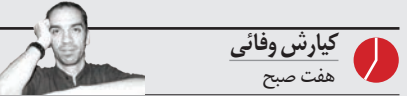


روایت پر توجع‌تایی از هیاهوی ورزش تاسکوت صحنه

تئاترباعث شد ورزش‌راهم هنریبینم

قاب‌بندی‌های تئاتر به کمکم آمد در ورزش هم به دنبال ترکیب‌بندی‌های هنرمندانه‌تری باشیم

ورزش و تئاتر یک تشابه بزرگ دارند، هیچ چیز قابل پیش‌بینی نیست



کیارش وفایی
هفت صبح

پرتو جغتایی نخستین زنی است که آژانس عکس ورزشی زنان ایران را بنیان گذاشت و در سال‌های اخیر بسیاری از لحظه‌های تاریخی ورزش زنان را ثبت کرده است. لحظه‌هایی که اغلب در حاشیه مانده بودند و به لطف قاب‌های او دیده شدند. اما کارنامه جغتایی تنها به میدان‌های ورزشی محدود نمی‌شود. او با همان دقت و سرعت عمل، به صحنه تئاتر نیز قدم گذاشته و تلاش کرده است از دل نور، سایه و حرکت بازیگران، روایت تازه‌ای از تجربه انسانی بسازد. او عکاسی را نه صرفاً ثبت واقعیت، بلکه کنشی فرهنگی و اجتماعی می‌داند که می‌تواند در مرز میان مستند و هنر، پلی برای گفت‌وگو با جامعه باشد. این گفت‌وگو کوششی است برای شناختن جهان فکری و هنری این عکاس در تقاطع ورزش، تئاتر و رسانه.

اولین آژانس عکس ورزشی زنان ایران را راه‌اندازی کرده‌اید. تجربه کار حرفه‌ای در ورزش زنان چه چیزهایی را به نگاه هنری شما اضافه کرد که در عکاسی تئاتر هم به کارتان می‌آید؟

بعد از چند سال حضور به عنوان عکاس در فضای ورزش و به‌طور اختصاصی ورزش زنان، به این نتیجه رسیدم مر جعی وجود ندارد که به این حوزه بپیروازد. بنابراین تصمیم به راه‌اندازی آژانس عکس گرفتم. عکاسی از ورزش زنان برایم تنها ثبت یک رویداد، یک مسابقه یا یک اتفاق ورزشی نبوده است، بلکه روایتی است که انسانی آن را انجام می‌دهد. به هر حال زنان ورزشکار ما با پوشش اسلامی در مسابقات داخلی و برون‌مرزی حضور دارند. این فضا و حضور ورزشکاران زن برایم تعریف یک روایت است که در آن معانی امید، ادامه دادن و هدف وجود دارد. با این نگاه، دیدگاهم در عکاسی تئاتر هم تغییر کرد. به این نتیجه رسیدم که وقتی تنها عکس‌هایی که در مسابقات بین‌المللی جایزه می‌گیرند، عکس‌هایی هستند که روایت دارند و حامل پیام هستند، این نوع نگاه بیشتر مورد توجه‌ام قرار گرفت. به همین دلیل بود که در عکاسی تئاتر هم تنها معنی ثبت یک تصویر برایم اهمیت پیدا نمی‌کند، بلکه روایتی از نمایش را ثبت می‌کنم که مخاطب آن را می‌بیند.

واکنش با سرعت بالا هم ذات عکاسی در ورزش است، هم در صحنه تئاتر که همه چیز یکبار اتفاق می‌افتد و تکراری برایش وجود ندارد. شش‌کار این لحظات باید کار سختی باشد.

ورزش و تئاتر یک تشابه بزرگ با یکدیگر دارند و آن هم این است که در هر دو هیچ چیز قابل پیش‌بینی نیست، به‌خصوص اگر از قبل تئاتر را ندیده باشم. بنابراین خودم را به چالش می‌کشم و قبل از این که به عنوان مخاطب به تماشای نمایشی بنشینم در همان مواجهه اول از صحنه آن را عکاسی می‌کنم. این مواجهه حسی در وجود ایجاد

می‌کند، برای اتفاق‌هایی که قرار است پیش بیاید، در ذهنم سناریو می‌سازم تا همیشه آماده باشم. درواقع معتقدم در ثبت لحظات ورزش و تئاتر، آنچه بیش از هر چیزی مهم است، فارغ از شناس و توجه، پیش آگاهی است. در این سال‌های تجربه عکاسی در تئاتر به یک واقعیت دیگر هم رسیده‌ام؛ متوجه شده‌ام، لحظه‌های اصلی نمایش همان لحظه‌هایی‌اند که کسی انتظارش را ندارد.

تاکنون پیش آمده قساب یا تکنیکی که در تئاتر آموخته‌اید را در ورزش به کار بگیرید یا برعکس؟ این تبادل تجربه چه تأثیری روی سبک کار شما داشته است؟

بسیار برایم پیش آمده است. به‌طور مثال قاب‌بندی‌هایی که در تئاتر یاد گرفتم به کمکم آمد که در ورزش هم به دنبال ترکیب‌بندی‌های هنرمندانه‌تری باشم. زمانی که عکاس از یک مسابقه ورزشی عکاسی می‌کند آن رخدادها، حوادث و مواجهه‌ها بسیار مهم هستند که نباید نادیده گرفته شوند. به همین خاطر تمام تلاشم این است فارغ از اینکه بخواهم تمرکز را در ثبت لحظه بگذارم به ترکیب‌بندی، قاب‌بندی و هنری بودن آن عکس هم توجه داشته باشم. موضوع دیگری که در تئاتر آموختم آن بود که نور تا چه اندازه می‌تواند در یک عکس تأثیرگذار باشد آن چنان که معنا را تغییر دهد. بنابراین این تجربه را در عکاسی ورزشی هم بنا بر شرایط موجود در نظر دارم.

وقتی از صحنه نمایش عکاسی می‌کنید چه تفاوتی بین نگاه یک مخاطب و نگاه پشت دوربین وجود دارد و این نگاه چگونه بر قاب‌هایی که انتخاب می‌کنید اثر می‌گذارد؟

تفاوت نگاه مخاطب با کسی که از اجرای نمایش عکس می‌گیرد آن است که مخاطب شاهد کل صحنه است و قطعاً همیشه با صحنه‌های حساس تر نمایش روبه‌رو خواهد شد، اما برای عکاس زمان‌هایی پیش می‌آید که حتی آن صحنه اصلی نمایش هدفش نیست و در عمق صحنه شاهد تصویر و رخدادی است که قاب هنری‌تری دارد. به نظر انتخاب چنین لحظه‌ای است که یک عکس از نگاه عکاس را با نگاه مخاطب متمایز می‌کند. موضوع دیگر آنکه مخاطب معمولاً در جریان نمایش غرق شده و روایت را به صورت پیوسته تجربه می‌کند، اما عکاس نمی‌تواند آن پیوستگی را تجربه کند، بنابراین احساس می‌کنم نگاه یک عکاس تحلیلی است. درواقع باید بگویم عکاس با چشمش و مخاطب با دلش نمایش را می‌بیند.

نورپردازی تئاتر اغلب طراحی و حساب شده است. چگونه از این فرصت برای بیان احساس و روایت صحنه استفاده می‌کنید و چه نکات فنی را برای حفظ کیفیت تصویر در نظر می‌گیرید؟ همیشه اشاره داشتم یکی از جذابیت‌هایی که عکاسی تئاتر برایم دارد نورپردازی صحنه نمایش است. نورپردازی درواقع هدیه به عکاس است تااو بتواند به درستی از آن استفاده کند. همیشه سعی‌ام این است به نوری که طراح نور برای نمایش طراحی کرده، با هر سختی، وفادار بمانم. البته از نگاه دیگر، نورها زبان پنهان یک نمایش هستند که اهمیت ویژه‌ای دارند.

در لحظه‌های پر تحرک صحنه، مثل تغییر میزانشن یا ورود و خروج بازیگران چطور سوزه‌ها را واضح نگاه می‌دارید و چگونه تلاش می‌کنید روایت تصویرتان مختل نشود؟

زمان عکاسی در تئاتر سعی‌ام آن است با شناخت متن نمایش‌نامه بعضی از اتفاق‌ها را پیش‌بینی کنم. به خاطر علاقه‌ام به این هنر، شناختی از آن دارم و تا اندازه‌ای گره‌های نمایشی را می‌شناسم و این موضوع بسیار کمک‌کننده است. ترکیب این دو باعث می‌شود روایتی که شادش هشتم روان باشد و عکس‌های خوبی گرفته شود.

صدای شاتر دوربین هنوز هم معضل دیدن نمایش در یک سالن تاریک است که نیاز به سکوت دارد. شما عکاس ورزشی بوده‌اید و هیچ‌گاه صدای شاترتان آنجا مورد اعتراض نبوده؛ اما اینجا… صدای شاتر دوربین زمانی بسیار دغدغه‌بود، اما حالا با نسل

ورزش زنان حوزه خاصی است با همه موازین سختی که دارد، اما گاهی یک عکس منجر به اتفاقات خوبی می‌شود؛ مثل عکسی که از تیم بانوان «ملوان» گرفتم. دختران تیم ملوان با خودکار پشت پیراهن‌هایشان شماره خودشان را نوشته بودند. همین عکس باعث شد مسئولان باشگاه «ملوان» در مقام پاسخگویی قرار بگیرند و وضعیت را سر و سامان بدهند

جدید دوربین‌ها تقریباً این مشکل از بین رفته است، دیگر می‌شود در زمان تماشای یک مسابقه ورزشی صدای شاتر شنید و در سالن تئاتر نشنید. البته این معضل هنوز وجود دارد! صدای شاتر عکاسانی که شبیه عکاسان خبری در سالن تئاتر عکاسی می‌کنند. صدای شاتر دوربین در تمام طول اجرا شنیده می‌شود. قطعاً این صدا باعث کلافگی مخاطب و حتی عدم تمرکز بازیگران در حین اجرا می‌شود.

ثبت احساسات انسانی، چون شادی، غم، هیجان، خشم، چه تفاوتی در دو فضای تئاتر و ورزش دارد و چگونه تلاش می‌کنید این احساسات در قاب دوربین‌تان منتقل شوند؟

قطعاً تفاوت‌های بسیاری در حوزه‌های تئاتر و ورزش وجود دارد. ورزش احساسات لحظه‌ای و انفجاری دارد و چیزی از قبل مشخص نیست، اما در تئاتر تمام موارد از قبل طراحی شده است. این نکته را هم اضافه کنم که ثبت صادق‌ترین احساسات برای من مهم است. چنین نگاهی به باورپذیری عکس‌هایی که ثبت می‌شوند هم اهمیت خاصی می‌دهد.

فضای عکاسی در ورزش زنان مملو از سرعت و حرکت لحظه‌ای و در تئاتر صحنه طراحی و کنترل شده است. چطور تلاش کردید آثارتان در دو حوزه



اگر روزی بخواهید یک نمایش صحنه‌ای درباره ورزش زنان عکاسی کنید چه تصویری در ذهن دارید که حتما می‌خواهید ثبت شود؟

اگر روزی نمایشی از ورزش زنان عکاسی کنم، مایل‌م آن عکس نشانگر تلاش، کوشش و عبور از تمام سختی‌هایی باشد که برای رسیدن به یک جایگاه حرفه‌ای متوجه ورزشکاران زن است. دوست دارم تلاش مضاعفی که آنان برای بالا بردن پرچم کشورشان تحمل می‌کنند، شرح دهم. درواقع همیشه هدفم این بوده که الهام‌بخشی زنان ورزشکار را ثبت کنم؛ مثل زمانی که از ورزشکاران معلول عکاسی می‌کنم. آنان با همه سختی‌ها و با پذیرش تمام موازین، برای کشورمان مقام می‌آورند. این رفتار آنان الهام‌بخش است و لایق ارزش و احترام.

